

خبرنامه

فقط دختران حق ورود دارند

اگر تاکنون مجموعه‌های شهربانو و برخی بوستان‌ها ویژه بانوان بودند، حالا در منطقه ۲ وزیر بازارچه سنتی ستارخان، مجموعه‌ای راه‌اندازی شده که با کلی برنامه فقط برای دختران اجرا دارد. کافی است علاقه‌مند باشی و هدفی را دنبال کنی؛ اینها مهم‌ترین شرایط عضویت در مرکز مهارت‌آموزی دختران منطقه ۲ است. در این مکان که نامش را «شهردخت» گذاشته‌اند، پس از مراجعه، ابتدا خدمات مشاوره ارائه می‌شود و استعدادسنجی انجام می‌گیرد. سپس با توجه به علاقه و استعداد دختران شرکت‌کننده، برنامه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف مانند هنری، فرهنگی و... به آنها معرفی می‌کنند تا خود بتوانند کسب‌وکاری راه‌اندازی کنند.

اکرم رحای، معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۲، در زمینه فعالیت‌های استارت‌آپی که از رشته‌های مورد پذیرش این مرکز است، می‌گوید: «راه‌اندازی استارت‌آپ، مرحله نهایی فعالیت در شهردخت نیست، بلکه از استارت‌آپی‌ها حمایت می‌شود و حتی دستاوردهایشان در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش درمی‌آید.» در شهردخت علاوه بر علاقه‌مندی و تلاش، داشتن بین ۱۰ تا ۲۵ سال هم شرط عضویت است. برای ثبت‌نام کافی است دختران علاقه‌مند در یکی از روزهای هفته از ساعت ۸ تا ۱۹ به خیابان ستارخان، خیابان سازمان آب، زیر پل یادگار امام(ره)، بازارچه سنتی ستارخان مراجعه کنند.



خبردار

ایمن‌سازی بیمارستان شریعت‌رضوی

بیمارستان شهید شریعت‌رضوی به دلیل مشکلات سازه‌ای و فرورفتگی‌های متعدد ناایمن بوده و به همین دلیل مسئولان شهرداری منطقه ۹ تهران در جلسات متعددی که با مدیران ارشد سازمان تأمین اجتماعی کشور داشتند، موضوع تعطیلی مقطعی این بیمارستان برای ساخت پلی‌کلینیک تخصصی را مطرح کردند و مورد موافقت نیز قرار گرفت. بنابراین قرار شد در یک دوره زمانی کوتاه، بخش‌های تخصصی بیمارستان شهید شریعت‌رضوی تعطیل شود. سید محمد رحیم مرتضوی، شهردار منطقه ۹ در این باره گفت: «پیرو مطالبات مردم در قرار خدمت شهردار تهران پیرامون ساخت مرکز تخصصی درمانی، مقرر شد سازمان تأمین اجتماعی در صورت موافقت با سازمان اوقاف یا تاهات زمین‌های متبوعه، این پلی‌کلینیک به بیمارستان تخصصی ارتقا پیدا کند.» وی تأکید کرد: «مدیریت شهری خود را مکلف به ارتقای ایمنی شهروندان می‌داند و همه توان خود را برای ساخت این پلی‌کلینیک تخصصی به‌کار خواهد بست.»



همین حوالی

برگزاری هشتمین یادواره شهدای «گردان شهادت»

هشتمین یادواره شهدای با عنوان «گردان شهادت» با حضور سرداران، رزمندگان و خانواده‌های شهدای ۸ سال دفاع مقدس با هدف پاسداشت یاد و خاطره شهدای این گردان و شهدای دفاع مقدس در مرکز همایش‌های شهید اوبنی فرهنگسرای بهمن تهران برگزار شد.

علی اصغر خسروی، مدیر فرهنگسرای بهمن منطقه ۱۶ درباره «گردان شهادت» و نحوه شکل‌گیری آن گفت: «این گردان در بهمن‌ماه ۱۳۶۰ به فرماندهی «احمد متوسلیان» تأسیس شد که بعد از عملیات رمضان به لشکر ارتقا یافت و فرماندهی آن به شهید «حاج همت» سپرده شد. وی نسبت به سازماندهی و تشکیل گردان‌هایی با وظایف مختلف اهتمام ورزید که یکی از آنها «گردان شهادت» نام گرفت. بخش‌های مختلف این یادواره عبارت بود از: خاطره‌گویی سردار عاطفی از عملیات کربلای ۵، اجرای سرود دانش‌آموزی، نمایش دفاع مقدس، نقالی و پرده‌خوانی، مدحی مباحثان اهل‌بیت(ع) حاج محمد طاهری و کربلایی حسین طاهری و شعرخوانی حاج علی رضمانی.»

در این مراسم از خانواده‌های شهدا و رزمندگان ایثارگر گردان، تقدیر شد.



در شهر

ساندویچ‌ها را مهربانانه می‌پيچند

ساندویچ‌فروشی «حسین ابوعلی» از یک دهه پیش پاتوق نیکوکاران یک محله و حتی یک شهر شده است



گزارش

حسن حسن‌زاده

روزنامه‌نگار

شبیبه هیچ‌کدام از ساندویچی‌های شهر نیست؛ و یت‌ترین مغازه، اجناس و لوازمی که گوشه و کنار مغازه‌اش روی هم چیده شده و حتی مشتریانش هم با دیگر ساندویچی‌های تهران فرق دارند. بر پی‌راه نیست که بگوییم مغازه «حسین ابوعلی» پاتوق نیکوکاران یک محله و حتی یک شهر است. روزهایی که به ماه رمضان، نوروز، شب یلدا و... ختم می‌شود، چنان پر و بیابایی در ساندویچی ابوعلی راه می‌افتد که شبیبه آن را جای دیگری ندیده‌ایم. تمام کوچه را کارتن‌های پر از مواد غذایی، لباس، عروسک و اسباب‌بازی از بر می‌کنند که مقصدشان نه فقط نقاط محروم حاشیه تهران بلکه روستاهای کم‌برخوردار سیستان و بلوچستان است.

از تهران تا سیستان و کرمانشاه

از ویت‌ترین مغازه پیدااست که اینجا با دیگر ساندویچی‌های تهران فرق دارد. نوشته روی شبیسه می‌گوید این مغازه پاتوق آدم‌های مهربان شهر است. برچسب‌های «سفره مهربانی» و «وقف خیرات و اموات» در جای‌جای مغازه دیده می‌شود. اهالی محله نیروی‌هوایی به یاد دارند چند سال پیش وقتی که سیل روستاهای و شهرهای مناطق شمالی و غرب کشور را درنوردید و با وقتی زلزله کرمانشاه خانواده‌های بسیاری را داغدار کرد، در پیاده‌رو مقابل این مغازه جای سوزن انداختن نبود. همان روزهایی که کاسب خوشنام محله در آمد مغازه را وقف سیل‌زدگان لرستان و گلستان کرد، سیل کمک‌های مردم اهالی محله هم از راه رسید. تمام کوچه را انواع و اقسام مواد غذایی فاسدشدنی، لباس، پتو، اسباب‌بازی و... مناطق سیل‌زده ش‌ود.

داستان جالب آن مهره‌های رنگی

«حسین ابوعلی» حدود یک دهه پیش نخستین

قدم را برای کمک به اقسشار محروم جامعه برداشت و حالا دیگر اهالی یک محله برای دستگیری از افراد کم‌بضاعت با او همراه شده‌اند. تابلوی سفره مهربانی، کبسه‌های پر از میوه، چند وعده غذای گرم و ساندویچ‌هایی که مرتب روی هم چیده شده‌اند، نخستین چیزی است که توجه مشتریان جدید آقای ابوعلی را به‌خود جلب می‌کند. روی پیشخوان مغازه، مهره‌های رنگی‌ای که روی هم چیده شده‌اند، داستان جالبی دارند. فقط کافی است چند دقیقه رفت‌وآمد مشتریان این مغازه را زیر نظر بگیرید، تا به همدلی اهالی با این کاسب خوشنام پی ببرید. ابوعلی می‌گوید: «حدود یک دهه پیش یک تابلو روی دیوار مغازه نصب کردم و چند فیش‌غذاری آن چسباندیم. حدود ۱۰ فیش بود، اما با هزینه خودم غذای رایگان به افراد نیازمند می‌دادم. چند روز بعد تعداد فیش‌ها بیشتر شد. هر مشتری که برای خودش یک ساندویچ می‌خرید، یک فیش هم برای نیازمندان تهیه می‌کرد. حالا تعداد فیش‌ها گاهی روزانه به ۱۰۰ وعده می‌رسد. اکنون من جای آن فیش‌ها را با مهره‌های رنگی عوض کرده‌ام.»

دانش‌آموزان مناطق محروم تهران وجود دارد که علاوه بر خدمات آموزشی، لوازم‌التحریر و... دریافت می‌کنند.

پاکبان‌ها، کارتن خواب‌ها و بیماران نیازمند هم سهم دارند

ساندویچ‌هایی که مشتریان برای افراد نیازمند تهیه می‌کنند، قیمت پایین‌تری دارد. کیفیت همان است اما ابوعلی و همکارانش تنها هزینه مواد اولیه را می‌گیرند تا خودشان هم در این کار خیر سهم داشته باشند. ابوعلی اما از دل دریایی اهالی محله می‌گوید: «بعضی‌ها فقط به تهیه یک مهره رنگی قناعت نمی‌کنند. حتی مشتری‌ای داشتیم که از اهالی نیکوکار محله بود و ۱۰ میلیون تومان کمک کرد تا به همان اندازه غذای گرم به‌دست افراد نیازمند برسد. تعدادی از این مهره‌های رنگی سهم پاکبان‌هایی است که شب و روز برای شهر زحمت می‌کشند. مهره‌های دیگر هم سهم افرادی است که به هر دلیلی کارشان به کارتن‌خوانی کشیده شده و مابقی هم سهم خانواده‌های نیازمند حاشیه شهر است.»



«شمشیری» چگونه «قهرمان قرضه‌ملی» شد؟

«محمدحسن شمشیری»، صاحب سیاسی‌ترین رستوران مشهور تهران بود

چگونه ممکن است یک چلو‌کبابی در تاریخ معاصر ایران مهم شود؟ باید «چلوکبابی شمشیری» باشد و صاحبش هم آدمی در حد و اندازه «محمدحسن شمشیری» باشد؛ مردی که به «قهرمان قرضه ملی» مشهور است. «محمدحسن شمشیری» سال ۱۲۷۳ خورشیدی به دنیا آمد. نام خانوادگی‌اش از آنجا آمده که اجدادش از شمشیرسازان مشهور اصفهان بودند. البته بعدها آمده بودند تهران و در کار قهوه‌خانه‌داری هم مشهور شده بودند. پدر بزرگ محمدحسن یکی از نمایندگان صنف قهوه‌خانه‌داران در دوره مشروطه بود. خودش هم در کودکی شاگرد قهوه‌چی بود و بعد برای خودش قهوه‌خانه باز کرد. اما از حوالی سال ۱۳۲۰ و در زمانه‌ای که چلوکباب غذایی بازاری و پرطرفدار بود، یک چلوکبابی در سبزه‌میدان تهران باز کرد و شد «حاجی شمشیری».

گزارش

از همان موقع بود که خودش را نشان داد و به حسن خلق مشهور شد و رفتارش این طوری بود: «خود حاج محمدحسن، سیخ کباب دستشان می‌گرفتند و درون بشقاب آنهایی می‌گذاشتند که غذایشان تمام شده بود. حتی کباب‌های کوچکی هم داشتند که وقتی شاگرد مغازه‌ای برای بردن غذای صاحبکارش می‌آمد، در نان می‌پیچید و به وی می‌داد. یکی از دلایل موفقیت حاجی شمشیری حسن خلق و خوش رفتاری او با طبقات مختلف مردم بود و هرگز طبقات محروم و مردم فقیر جامعه را فراموش نمی‌کرد. علاوه بر آن، رفتار او با زبردستان و کارکنان خودش نیز بسیار خوب بود؛ به‌طوری‌که برای کارکنان خود خانه خرید و دستمزد خوبی به آنها می‌پرداخت.»

مغازه مشهور، مشتری‌ان مشهور

مغازه او همه‌چیز مشتری‌داشت و یک مشتری ویژه هم داشت؛ «روزهای جمعه سبزه‌میدان، پاتوق افراد مشهور و بازیگرهای رادیو بود که از میدان آرگ و رادیو به اینجا می‌آمدند. جهان‌پهلوان تختی هم به این چلوکبابی می‌آمد و از دوستان نزدیک حاجی شمشیری بود؛ تا جایی که حتی پیکر تختی را در مقبره خانوادگی ایشان دفن کردند.» چرخ زمانه رسید به اواخر دهه ۲۰ و موقع ملی‌شدن صنعت نفت ایران. حاجی شمشیری طرفدار دواتشه ملی گراهام بود و چلوکبابی‌اش شد پاتوق طرفداران صنعت نفت ایران و مخالفان زبردست و سلطنت پهلوی. از سال ۱۳۲۹ درخواست‌ها برای ملی‌شدن صنعت نفت در جامعه و مجلس بالا گرفت و بالاخره ۲۹ اسفند

قانون ملی‌شدن صنعت نفت ایران تصویب شد. در سال ۱۳۳۰ مصدق نخست‌وزیر شد و طرفداران ملی‌شدن صنعت نفت قدرت را به‌دست گرفتند و حاجی شمشیری هم تکیه‌گاه ملی‌گراها بود در بازار و نماینده غیررسمی بازاری‌ها بود در دولت مصدق و نزد مصدق. معلوم است در آن روزها که می‌خواستند دست انگلیس را از نفت ایران کوتاه کنند انگلیس و رفقایش هم آرام ننشستند و نفت ایران را تحریم کردند و دولت مصدق برای آنکه اقتصاد ایران فرو نیفتد دست به دامان مردم شد و اوراق قرضه ملی منتشر کرد و حاجی شمشیری هم این کار را کرد: «وی بزرگ‌ترین و عمده‌ترین خریدار اوراق قرضه بود. به‌طوری‌که مبلغ ۳۰۰ هزار تومان برای خرید قرضه ملی پرداخت. برخی منابع، رقم خریداری شده قرضه ملی توسط حاجی شمشیری را ۵۰۰ هزار تومان برآورده کرده‌اند. آن هم در روزگاری که هر سیخ کباب ۲ ریال بود.» حاجی شمشیری هرچقدر توانست اوراق قرضه ملی خرید و دگران را هم به این کار تشویق کرد تا جایی که به او لقب «قهرمان قرضه ملی» دادند. جالب اینکه حاجی شمشیری را انگلیسی‌ها هم می‌شناختند و در گزارش‌های مأموران شرکت نفت انگلیس در ایران درباره‌ش بسیار نوشته شده است؛ تا جمله اینکه: «تاکنون هر گونه اقدامی که برای

هم‌شهری

بچه‌های مسجد

جوان‌ها در این مسجد پای سفره عقد می‌نشینند

مسجد صفای محله گرگان از مساجد فعال منطقه ۷ است که علاوه بر برپایی برنامه‌های مذهبی و نیکوکارانه، در بسیاری از اقدامات عام‌المنفعه و فرهنگ‌ساز هم پیش‌قدم است. یکی از طرح‌های بکر و جالبی که از سال‌های گذشته در این مسجد اجرا می‌شود، برپایی مجلس مشارکتی عقد و عروسی برای جوانان محله است.

در این مراسم که بیشتر در مناسبت‌ها و اعیاد مذهبی برپا می‌شود، جوانان مسجدی با حمایت بانیان مسجد و سایر نمازگزاران، مراسم عقدشان را در مسجد برگزار می‌کنند. در روز مراسم، عروس و دامادها کنار ختیه عقدی که با سلیقه بانوان مسجد در بخش زانه به زیبایی چیده شده می‌نشینند و عاقد که یکی از روحانیون مسجد است، خطبه را با حضور مهمانان و نمازگزاران جاری می‌کند؛ سپس از مهمانان با شربت و شیرینی همراه با مولودی‌خوانی پذیرایی می‌شود. اما مراسم همین‌جا تمام نمی‌شود و زوج‌های جوان و مهمانان برای برپایی مراسم عروسی و صرف شام به تالار می‌روند.

مدیر هیات‌امنی مسجد صفای می‌گوید: «با این کار مراسم عقد و آغاز زندگی مشترک جوانان در محیطی معنوی برگزار و زندگی‌شان سرشار از برکت می‌شود.» محسن خوانین‌زاده می‌افزاید: «از ۱۸ سال پیش مراسم عقد جوانان مسجدی و نمازگزاران در مسجد صفا برگزار می‌شود و تاکنون بیش از ۱۰ هزار جوان پیوند آسمانی‌شان را در این مسجد بسته‌اند.» او ادامه می‌دهد: «ولین عروس و دامادهایی که خطبه عقدشان در مسجد خوانده شده، حالا فرزندان بزرگی دارند که به دبیرستان می‌روند.» او طوطی که مدیر هیات‌امنی مسجد می‌گوید، فرهنگساز برای برگزاری ازدواج اسفند هدف دیگر اجرای این طرح است. خوانین‌زاده تأکید می‌کند: «مراسم عقد و عروسی در این مسجد بین جوانان مسجدی و به صورت مشارکتی برگزار می‌شود و در هر مراسم حداقل ۵ عروس و داماد حضور دارند. به این ترتیب خرج تالار و سایر هزینه‌ها تقسیم می‌شود و زوج‌های جوان در شروع زندگی‌شان زیر بار خرج کم‌رشدن عروسی نمی‌روند.» حاج‌محسن معتقد است یکی از دلایلی که جوان‌ها ازدواج نمی‌کنند، هزینه‌های کم‌رشدن مراسم عروسی است و وقتی این مراسم با کمترین هزینه و به‌سادگی برگزار شود، جوانان به ازدواج تشویق می‌شوند.



کار خوب

مشارکت جهادی بانشاط

در مسجد بقیع

پنجشنبه‌ها برای بچه‌های مسجد بقیع خیابان خارک، یک روز خاص با کلی برنامه هیجان‌انگیز و متفاوت است؛ چون در این روز تفریح می‌کنند، در کارهای خیر شریک می‌شوند و مطالب جدیدی را در کنار هم می‌آموزند.

دورهمی صبحگاهی

در این برنامه از ساعت ۹ و نیم صبح بچه‌ها دورهم جمع شده و هر کس‌ای آیتاتی از قرآن می‌خواند. سپس در کلاس احکام شرکت کرده و در ادامه سفره‌ای پهن می‌شود و شرکت‌کنندگان نان و پنیر می‌خورند. در این میسان جذاب تریبخش و هیجان‌انگیزترین مرحله حضور در زمین چمن زیر پل یادگار امام(ره) و پایه‌توپ‌شدن است. علی دلجو، از مسئولان برگزاری برنامه می‌گوید: «شرکت‌کنندگان چنان استقبالی نشان می‌دهند که از همان پنجشنبه و پس از پایان برنامه برای هفته بعد ثبت‌نام کنند.»

خدمات عصرگاهی

البته فعالیت‌اعضا که در هر دوره حداقل ۵ نفر است به همین‌جا ختم نمی‌شود و بیشترشان پس از پایان دورهمی برای کار خیر آماده می‌شوند. چون در مسجد بقیع طرحی با عنوان پنجشنبه‌های مهربانی اجرا می‌شود و در آن پس از طبخ غذا و بسته‌بندی اوراق توسط جوانان و نوجوانان، بچه‌های مسجد شامگاه بسته‌ها و غذاهای آماده شده را بین نیازمندان توزیع می‌کنند. دلجو می‌گوید: «وسایلی مورد نیاز برای تهیه غذا و بسته‌های اوراق با مشارکت خیران و نمازگزاران خریداری و توسط جهادگران نوجوان و جوان توزیع می‌شود.»

طرحی که گسترش یافت

طرح پنجشنبه‌های مهربانی مسجد بقیع از ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۸ با حمایت امام جماعت مسجد شروع شد. در آن سال قرار شد که اعضا برنامه افطار داشته باشند، بنابراین وعده‌ای با پول توجیبی‌های خود باقی افطار شدند. این روند ادامه یافت و هر شب برنامه پذیرایی افطار در مسجد برقرار بود تا اینکه گروهی شکل گرفت و اعضا تصمیم به فعالیت در زمینه کمک‌های مؤمنانه گرفتند. دلجو می‌گوید: «در گذر زمان فعالیت‌های گروه انسجام بیشتری یافت و حالا روزهای پنجشنبه برای جوانان و نوجوانان هم‌را با آموزش، تفریح و مشارکت در کارهای خیر است.»

